

# وطن امروز

### رواق

رهبر انقلاب در دیدار با جانبازان حضور آنان در جامعه را بیان حقایق تاریخی، معرفتی، سیاسی و بین‌المللی دانستند

## نشانه جنایات حامیان صدام

رهبر انقلاب، صبر همسران جانبازان و تحمل آنها بر رنج و سختی خدمت به جانبازان را ایثارگری واقعی و یک جهاد و حماسه خواندند



### روحانی به آمانو: پروتکل الحاقی را داوطلبانه اجرا می‌کنیم...

# آژانس منصف باشد!

### چرا از تاریخ عبرت نمی‌گیرند؟

### محاكمه آمانو در کمیسیون برجام

### زمانی که بیماران ما درد می‌کشیدند

### کجا بودی آقای آمانو؟!



عکس: فرج‌صدقی‌ايران

نگاهی به فرمایشات رهبر بزرگوار انقلاب درباره حق‌الناس بودن رأی مردم

## نقش نومحافظه‌کاران در شورش ۸۸

یک چرخش دیگر نیز صورت می‌گیرد. در آن سال شخصی رهبری متهم به این پدیده می‌شد اما امروز به دلیل آنکه مقابله با آن شیوه را ممکن نمی‌دانند، تلاش می‌کنند بازوهای اجرایی و نزدیک به ایشان را متهم سازند و حتی از این طریق ایشان را تضعیف کنند. مثلاً با متهم کردن سپاه و تضعیف آن، تضعیف رهبری را دنبال کنند. به عبارت ساده، اینگونه ادعا می‌کنند که مخاطب این بیانات رهبری سازمان یابا افراد خاصی بوده‌اند که در این زمینه صاحب مسؤلیت هستند.

دو- هدف دیگر نومحافظه‌کاران این است که برعکس تجربه‌ای که از آنها سراغ داریم و سال ۸۸ هسته‌های مقاومت زنده تا انقلاب را از دستان توده و جمهوری اسلامی ایران خارج ساخته و به سوی یک قالب الیگارشیک سوق دهند. به تعبیر دیگر «جمهوری اسلامی» را تبدیل به «الیگارشی اسلامی» سازند. در این معنا حکومتی الیگارشیک پدید می‌آید که در یک دوران گذار و مقطعی، چندصاحبی هم به نام اسلام حکومت می‌کند. چنانکه پیش‌تر نیز توضیح داده شد نومحافظه‌کاران بسیار به شیوه «بازگرای» وابسته است. دلیل بیان صریح مطلب بالا این است که در شورش سال ۸۸ حتی اصلاح‌طلبان که خود را میزبان این بازی می‌دانستند در عمل در زمین نومحافظه‌کاران بازی می‌کردند. در اصل برد نهایی با نومحافظه‌کاران بود که البته ۴ سال بعد به عنینت رسید. امروز از آن حوادث ۶ سال گذشته است و هدایت‌گران نومحافظه‌کار که به طور عمده در پشت صحنه نقش هدایت را برعهده داشته‌اند، به اقتضای زمان و شرایط جدید سیاست‌نوتری را برگزیده‌اند. آنها با اشاره به فرمایشات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر حکیم انقلاب که بار دیگر، اخیراً به حق‌الناس بودن رأی مردم تأکید کردند تفسیر جهت‌دار خود را دنبال می‌کنند. در این سیاست و روش جدید می‌توان نکات زیر را مشاهده کرد.

یک- آنها از پذیرش خطای راهبردی سال ۸۸ می‌گریزند و به اشتباه خود اقرار نمی‌کنند. آنان در این شیوه تلاش می‌کنند به صورت تلویحی مدعی شوند این حکم رهبری، جدید است و از سال ۹۲ به بعد صورت گرفته است! حتی این زخم را نیز برجا می‌گذارند که بر ادعای خود در سال ۸۸ تأکید کنند. یعنی این حکم را در واکنش به تقلبی (!) که سال ۸۸ رخ داد ترسیم و تفسیر کنند. با این سیاست

جمهوریت» به طور مبسوط توضیح داده شده، «فتنه» ماهیتی کاملاً الیگارشیک داشت. یعنی اصل نزاع بر سر این بود که طبقه ممتاز شکل گرفته بعد از انقلاب در صدد شکستن قواعد مردم‌سالاری و جمهوریت برآمد و تلاش کرد با بهانه «تقلب» در انتخابات پذیرش آرای عمومی سر باز زند. در واقع برای آنها بسیار تلخ بود که بپذیرند مطابق انقلابی که خاصیت جمهوریت و اسلامیت دارد طبقه ممتاز نباید شکل بگیرد و گردش نخبگان واقعیتی است که آنها باید بپذیرند. اما پذیرش این باور برای طبقه ممتاز قابل تصور نبود. لذا با کمک اصلاح‌طلبان و خرید سلاح ایدئولوژی از آنها دست به بسیج نیرو و تشکیل هیئت‌های مقاومت زدند تا انقلاب را از دستان توده و جمهوری اسلامی ایران خارج ساخته و به سوی یک قالب الیگارشیک سوق دهند. به تعبیر دیگر «جمهوری اسلامی» را تبدیل به «الیگارشی اسلامی» سازند. در این معنا حکومتی الیگارشیک پدید می‌آید که در یک دوران گذار و مقطعی، چندصاحبی هم به نام اسلام حکومت می‌کند. چنانکه پیش‌تر نیز توضیح داده شد نومحافظه‌کاران بسیار به شیوه «بازگرای» وابسته است. دلیل بیان صریح مطلب بالا این است که در شورش سال ۸۸ حتی اصلاح‌طلبان که خود را میزبان این بازی می‌دانستند در عمل در زمین نومحافظه‌کاران بازی می‌کردند. در اصل برد نهایی با نومحافظه‌کاران بود که البته ۴ سال بعد به عنینت رسید. امروز از آن حوادث ۶ سال گذشته است و هدایت‌گران نومحافظه‌کار که به طور عمده در پشت صحنه نقش هدایت را برعهده داشته‌اند، به اقتضای زمان و شرایط جدید سیاست‌نوتری را برگزیده‌اند. آنها با اشاره به فرمایشات حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، رهبر حکیم انقلاب که بار دیگر، اخیراً به حق‌الناس بودن رأی مردم تأکید کردند تفسیر جهت‌دار خود را دنبال می‌کنند. در این سیاست و روش جدید می‌توان نکات زیر را مشاهده کرد.

یک- آنها از پذیرش خطای راهبردی سال ۸۸ می‌گریزند و به اشتباه خود اقرار نمی‌کنند. آنان در این شیوه تلاش می‌کنند به صورت تلویحی مدعی شوند این حکم رهبری، جدید است و از سال ۹۲ به بعد صورت گرفته است! حتی این زخم را نیز برجا می‌گذارند که بر ادعای خود در سال ۸۸ تأکید کنند. یعنی این حکم را در واکنش به تقلبی (!) که سال ۸۸ رخ داد ترسیم و تفسیر کنند. با این سیاست

دکتر حمیدرضا اسماعیلی؛ تحلیل‌گران و ناظران سیاسی که شورش سال ۸۸ را تحلیل و مطالعه کرده‌اند، هر کدام به دلیلی بر نقش بازیگران جبهه اصلاحات تأکید بیشتری ورزیده‌اند. البته هیچ‌گاه نقش نومحافظه‌کاران و شاخص این جریان را هم نادیده نگرفته‌اند. اما گویی در آن حوادث، اصلاح‌طلبان بیش از نومحافظه‌کاران مجازات شده‌اند. در ادبیات ژورنالیستی و سیاسی، اصطلاح «فتنه‌گران» به جریان تندرو اصلاحات اشاره دارد و «ساکت‌ان فتنه» هم در برگزیده میانه‌روهای اصلاح‌طلب و کل جریان نومحافظه‌کاری است. از این جهت در ادبیات سیاسی نقش مهم «نومحافظه‌کاران» تنها به «ساکت‌ان فتنه» تقلیل یافت. در حالی که واقعیت بیش از این بود. یعنی بسیاری از مشهوران به ساکتان، خود را رهبران و فعالان اصلی شورش ۸۸ بودند.

چنانکه در یادداشت‌های پیشین هم اشاره شد، خاستگاه نومحافظه‌کاری در طبقات ممتاز و الیگارشیک و به تعریف عام در اشرافیت است. لذا بر همین اساس بود که کتاب «شورش اشرافیت بر جمهوریت» با نشان دادن ماهیت شورش سال ۸۸ به مطالعه آن پرداخت. در حقیقت در این شورش سیاسی رخ داده، نوعی تقسیم‌کار بین بازیگران وجود داشت. تأمین ایدئولوژی و بسیج اجتماعی به جریان اصلاحات واگذار شده بود، زیرا آنها به دلیل گرایش‌های چپ و نیز داشتن تجربیاتی در دهه ۷۰ این کار را بهتر می‌توانستند انجام دهند. می‌دانیم خاصیت الیگارشیک در جریان تندرو اصلاحات در قیاس با محافظه‌کاران و جریان میانه‌رو اصلاحات ناچیز است. لذا آنها در تهیه سلاح ایدئولوژیک و جذب طبقه متوسط شهری موفق تر بودند اما نقش لابی‌های در سطوح بالا، حمایت‌های مالی و سخت‌افزاری، هدایت تشکیلاتی و رهبری و اخذ تصمیمات مهم با طبقه الیگارشی و ویژه نومحافظه‌کاران بود. نتیجه چنین تقسیم‌کاری آن بود که اقدامات جریان تندرو اصلاحات بیشتر به چشم آمد، در حالی که نقش مهم‌تر الیگارشی و نومحافظه‌کاران به این دلیل که دور از چشم نظار و رسانه‌ها بود چندان به چشم نیامد. لذا گذشته از لابی‌ها و نفوذهای این جریان طبیعی می‌نمود در آن شورش‌ها چشم‌ها سوی دیگری را رصد کنند. اما چنانکه در کتاب «شورش اشرافیت بر

## «گوستنریسم»؛ شاخص اصلی کنشگری نامتعارف آمریکا

دکتر جواد حق‌گو\*

### روزنه

یکی از ویژگی‌های رهبران واشنگتن، خودمحموری در نگرش به مسائل و تحولات جهانی و قرار دادن تفسیر آمریکایی در جایگاهی غیرقابل تردید و انکارناپذیر و به عنوان مرجع نهایی برداشت و تصمیم‌گیری در قبال این مسائل و تحولات است؛ رفتاری که برخی آن را به شکل یک ناپهنجاری یا به عبارت صحیح‌تر «بیماری روانی همه‌گیر» در هیأت حاکمه آمریکا تحت عنوان «گوستنریسم»<sup>(۱)</sup> می‌بینند و بر مبنای آن کنشگری بین‌المللی واشنگتن را تحلیل و تفسیر می‌کنند. نمود این ناپهنجاری را می‌توان به شکل رانندگی با

یک تریلی پرخلاف جهت حرکت خودروها در اتوبان بر مبنای خودهمه‌انگاری راننده تریلی مثال زد. به همین شکل، آمریکایی‌ها نیز به دنبال تسری و غالب ساختن تفسیرها، برداشت‌ها و نیز استانداردهای خود در فضای بین‌المللی هستند که البته در بسیاری موارد تعارضی آشکار با واقعیت‌های جهانی را آشکار می‌سازد. یکی از این نمونه برداشت‌های گوستنریستی را می‌توان در اظهارات اخیر «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا درباره نقش ایران در تحولات منطقه دید.

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران در موقعیت پرآشوب کنونی غرب آسیا و شمال آفریقای تردید تنها کانون ثبات و آرامش به شمار می‌رود و بخش مهمی از توان خود را به مبارزه با تروریسم به عنوان مهم‌ترین تهدید منطقه معطوف ساخته، اوباما به‌تازگی ایران را منبع تجاوزالیه به شکل غیرمتعارف آن قلمداد کرده است. سوبه‌هایی از سخنان اوباما البته متوجه فضای داخلی این کشور و پاسخ به مخالفان برجام در کنگره بوده که از بازگشت بخشی از اموال بلوکه‌شده به ایران انتقاد کرده و اظهار داشته‌اند این اموال برای کمک به گروه‌های تروریستی نظیر حزب‌الله (!) هزینه خواهد شد. به گفته اوباما این نه منابع مالی برای تجهیز تسلیحاتی بلکه برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای افزایش توان نظامی غیرمتقارن و ایجاد عمق استراتژیک در کشورهای مانند لبنان بوده که ایران را در موقعیت قدرت برتر منطقه‌ای قرار داده است و عملاً دستیابی ایران به دارایی‌های بلوکه، نمی‌تواند بر این وضعیت اثرگذاری جدی داشته باشد. محور برجسته سخنان اوباما در گفت‌وگو با سردبیر سایت یهودی «فروارد» اشاره به نقش آفرینی منطقه‌ای ایران زیر عنوان «تجاوز غیرمتعارف به کشورهای منطقه» است؛ اظهاراتی که به جای واقعیت‌های منطقه‌ای برآمده از نوظهورات و سیاست‌های بحران‌آفرینان غرب آسیا، ویژه عربستان سعودی است که سران آن به تازگی برای هماهنگی‌های بیشتر به واشنگتن سفر کرده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا در حالی از ایران به عنوان متجاوز نام برده که غرب آسیا در آتش جنگ‌افروزی

مدریت بحران به کما رفت  
**جزوه ۱۱ صفحه‌ای دولت برای مقابله با بحران!**  
**مهدی جباری:** غافلگیر شدن مدیران دولتی در سیلاب‌های اخیر، آنها را بر آن داشت تا با عجله و شتاب و بدون مشورت با کارشناسان، لایحه‌ای کوتاه و ناقص با عنوان «لایحه مدیریت بحران» آماده و به مجلس شورای اسلامی ارائه کنند؛ لایحه‌ای که ۵-۶ برگ دارد و با احتساب جلد و کاور و صفحات سفید آن، بیشتر از ۱۱ صفحه نیست و دولت می‌خواهد با همین جزوه ناقص، تمام بحران‌ها و حوادث طبیعی از جمله سیل و زلزله را مدیریت کند.  
قانون آزمایشی مدیریت بحران کشور در سال ۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و قرار بود با گذشت ۵ سال و پس از بررسی نقاط ضعف و قوت آن به صورت قانون دائم به تصویب برسد. مجلس شورای اسلامی اما با افزودن مهلتی ۲ ساله به دولت فرصت داد تا پایان سال ۱۳۹۳ به اجرای آزمایشی قانون مدیریت بحران کشور ادامه داده و آن را بررسی و اصلاح کند. حال با گذشت ۷ سال نه‌تنها نقاط ضعف آن قانون آزمایشی برطرف نشده بلکه دولت یازدهم با انجام اصلاحاتی عجیب، موجب خنده تلخ و اظهار تاسف و ناامیدی کارشناسان شده است. از جمله اصلاحات مهم دولت یازدهم در لایحه جدید می‌توان به تغییر نام سازمان مدیریت بحران کشور به «سازمان حوادث غیرمترقبه کشور» اشاره کرد یعنی دولت فقط ۳ اصلاح در قانون آزمایشی انجام داده که یکی از آنها تغییر نام بوده است.  
دومین تغییر در قانون آزمایشی نیز بیش از آنکه بر نگاه کارشناسی مبتنی باشد، رنگ و بوی سیاسی دارد، چراکه دولت یازدهم مسؤلیت هماهنگی و ریاست مدیریت بحران در شهر تهران را از شهردار سلب کرده و به وزیر کشور سپرده است، به این معنا که اگر یک پاساژ یا مجتمع مسکونی دچار آتش‌سوزی شود، مسؤلیت رسیدگی و اقدام برعهده وزیر کشور خواهد بود! در همین باره باید به ۲ نکته اشاره کرد؛ اول اینکه آیا وزیر کشور اقتدر فرصت دارد که بتواند به جزئی‌ترین حوادث پایتخت ورود کند؟ وزارتخانه‌ای که نام کشور را یدک می‌کشد و بنا به ادعان مدیران آن به همین خاطر یکی از پرمشغله‌ترین وزارتخانه‌هاست، آیا توان و زمان کافی برای رسیدگی و مدیریت بحران‌های شهر تهران را دارد؟  
ادامه در صفحه ۵

### گزارش امروز

مدریت بحران به کما رفت

## جزوه ۱۱ صفحه‌ای دولت برای مقابله با بحران!

مهدی جباری: غافلگیر شدن مدیران دولتی در سیلاب‌های اخیر، آنها را بر آن داشت تا با عجله و شتاب و بدون مشورت با کارشناسان، لایحه‌ای کوتاه و ناقص با عنوان «لایحه مدیریت بحران» آماده و به مجلس شورای اسلامی ارائه کنند؛ لایحه‌ای که ۵-۶ برگ دارد و با احتساب جلد و کاور و صفحات سفید آن، بیشتر از ۱۱ صفحه نیست و دولت می‌خواهد با همین جزوه ناقص، تمام بحران‌ها و حوادث طبیعی از جمله سیل و زلزله را مدیریت کند.  
قانون آزمایشی مدیریت بحران کشور در سال ۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و قرار بود با گذشت ۵ سال و پس از بررسی نقاط ضعف و قوت آن به صورت قانون دائم به تصویب برسد. مجلس شورای اسلامی اما با افزودن مهلتی ۲ ساله به دولت فرصت داد تا پایان سال ۱۳۹۳ به اجرای آزمایشی قانون مدیریت بحران کشور ادامه داده و آن را بررسی و اصلاح کند. حال با گذشت ۷ سال نه‌تنها نقاط ضعف آن قانون آزمایشی برطرف نشده بلکه دولت یازدهم با انجام اصلاحاتی عجیب، موجب خنده تلخ و اظهار تاسف و ناامیدی کارشناسان شده است. از جمله اصلاحات مهم دولت یازدهم در لایحه جدید می‌توان به تغییر نام سازمان مدیریت بحران کشور به «سازمان حوادث غیرمترقبه کشور» اشاره کرد یعنی دولت فقط ۳ اصلاح در قانون آزمایشی انجام داده که یکی از آنها تغییر نام بوده است.  
دومین تغییر در قانون آزمایشی نیز بیش از آنکه بر نگاه کارشناسی مبتنی باشد، رنگ و بوی سیاسی دارد، چراکه دولت یازدهم مسؤلیت هماهنگی و ریاست مدیریت بحران در شهر تهران را از شهردار سلب کرده و به وزیر کشور سپرده است، به این معنا که اگر یک پاساژ یا مجتمع مسکونی دچار آتش‌سوزی شود، مسؤلیت رسیدگی و اقدام برعهده وزیر کشور خواهد بود! در همین باره باید به ۲ نکته اشاره کرد؛ اول اینکه آیا وزیر کشور اقتدر فرصت دارد که بتواند به جزئی‌ترین حوادث پایتخت ورود کند؟ وزارتخانه‌ای که نام کشور را یدک می‌کشد و بنا به ادعان مدیران آن به همین خاطر یکی از پرمشغله‌ترین وزارتخانه‌هاست، آیا توان و زمان کافی برای رسیدگی و مدیریت بحران‌های شهر تهران را دارد؟  
ادامه در صفحه ۵